مربیان، انسان های بزرگ

از میان‏ بزرگانی که گردهم‏ می‏آیند تا جریان تعلیم و تربیت را زنده نگه دارند، همچنین خلاقیت و نیک‏اندیشی را در روح آدمیانی پرورش دهند که فردا چرخانندهء چرخ جامعه‏اند،مربی مرکز این‏ کانون است.کسانی که بیش از آنچه، دست‏آوردهای مادی شادشان کند،بزرگی دیگران‏ خشنودشان می‏سازد.آن‏ها معتقدند،عشق‏ورزی به‏ دیگران،خمیرمایه سرشت انسانیت است و پالایش‏ دیگران،نه برای اثبات اشتباه آن‏ها،بلکه کتمان‏ غفلت‏هایی است که گاه‏گاهی دامن انسان را چنگ‏ می‏زند.کسانی که معتقدند،عزت‏نفس برای همه‏ انسان‏ها مهم است با جلوه‏ای حقیقی گام به پیش‏ می‏نهند تا راستی را در وجود دیگران جاودان سازند. آن‏هایی که‏ قهرمانی در صحنهء اجتماع را،خاص‏ سرآمدان نمی‏انگارند و معتقدند،در این ژرفای بی‏نهایت، مهم شرکت کردن در صحنه و نه فتح‏ قله‏هاست،معیارهای مادی را ابزاری برای‏ تکامل روح غنی انسانیت می‏دانند و دلبستگی به آن‏ را قاتل جان و وجود می‏شمرند.آموزه‏های آن‏ها نشان می‏دهد که این ملاک‏ها،تا زمانی موردنظر است که باعث بالیدگی بشود و تا وقتی از وسیله‏ بودن،به هدف درآید،دوری از آن‏ها واجب و پیروی‏ از آن‏ها گمراهی است.

او در لحظه‏های سخت و تنش‏زا،به مهر می‏اندیشد و با گروه خود مدارا می‏کند.خوشه‏های‏ خشم،وجودش را نمی‏سوزاند چون آموخته و تجربه‏ کرده است که خرمن هستی جان و روان را به یکباره‏ می‏سوزاند و گسست عاطفی به جا می‏گذارد که عقل‏ در اندیشه جبران آن ناکام می‏ماند.با جامعه آشناست‏ و برای شخصیت‏های درخشان آن تعظیم و تکریم‏ قایل است.ناامید نمی‏شود،او شکست و پیروزی-هر دو-را در یک قله می‏بیند که بازنده و برنده به آن‏ صعود کرده است و همین است رمز تعلیم و تربیت که‏ در آن انسانی کوچک نمی‏شود تا دیگری عزیز گردد.در این میدان،مربیان نگین درخشنده عقل و عشقند که از پا درنمی‏آیند تا میراث بزرگ الهی و بشری را که«معراج آدمی» است،همچنان پاسدار باشند و اجازه نمی‏دهند تا کیان آدمیت،در وسوسه‏های مادی به تاراج رود.براستی، مربیان سزاوار بالاترین تکریم‏ها هستند و عظمت‏ و شکوه لبخند نثارشان باد.

همچون سایر صحنه‏های تعلیم و تربیت،مربیان‏ ورزشی فخرآفرینانی بوده‏اند و خواهند بود که‏ همهء ارزش رقابت و فتح میدان‏های بین‏المللی و ملّی‏ را،در سپاسگزاری از آن خدمتگزاری می‏دانند که بام‏ تا شام،کمر همت بسته است تا رقابت‏کنندگان،در میدان ورزش احساس کمبود نکنند همچنین بوده‏اند چنین مربیانی که در لحظه وداع از صحنه رقابت‏ ورزشی،به این خادمان غبطه خورده‏اند.همچنین‏ تلاش انسانی را بی‏منتهی شمرده‏اند که کسی‏ بالانشین نمی‏شود،مگر آن‏که،این افراد به ظاهر غیر مؤثر را پاس دارند و بر خستگی تن و جان آن‏ها چشمه‏ مهر بتابانند.اینان کسانی بوده‏اند که امپراطوران‏ زمان خود خوانده می‏شده‏اند و هیچ‏گاه از خدمات‏ انسانی به سادگی نگذاشته‏اند و تبعیضی بر وجودشان مستولی نبوده است.مربیان بزرگ‏ ورزشی،نه‏تنها خود اسوهء فضیلت و رفتاری صحیح‏ بوده‏اند،بلکه ورزش را مثل بازی زندگی می‏دانستند. آن‏ها به شاگردان خود می‏آموختند که در زمان رقابت‏ ورزشی،مثل یک پیکرهء واحد بازی کنند تا اسیر خودخواهی نشوند،به مصالح جمعی توجه کنند، منظم و قدردان باشند و هیچ نوع فردگرایی را در درون تبسم خود تحمل نکنند تا در فردای جامعه حس‏ نوعدوستی،یکپارچگی و تعلق به یکدیگر فراموش‏ نشود.آن‏ها هرچه را در میدان ورزشی تعقیب‏ می‏کردند،واقعا همان چیزی بوده است که اعضای‏ تیم‏شان در زندگی بدان نیاز داشتند.

مربیان بزرگ،خردورزانی بوده‏اند که الگوی‏ عملی برای رفتار سالم بوده‏اند.آن‏ها بیش‏تر صمیمیت،اعتماد بازیکنان را به خود جلب می‏کرده‏اند و به آن‏ها امر و نهی نمی‏کردند.فلسفه کار آن‏ها،به‏ ودیعه نهادن جریانی در وجود دیگران بوده است که‏ باعث می‏شد،آن‏ها به زندگی علاقه‏مند شوند و انگیزه‏ داشته باشند.

مربیان بزرگ در میدان ورزش از واژهء«بردن» حرفی نمی‏زده‏اند،آن‏ها فقط گفته‏اند،تا می‏توانید تلاش کنید.آن‏ها معتقد بوده‏اند،گذشت هر رویداد را نباید فراموش کرد بلکه باید مانند یک دوره به آن‏ فکر کرد.

فرهنگ مکتوب به جا مانده از مربیان بزرگ‏ ورزشی،گویای آن است که آن‏ها،معلمان بسیار برجسته‏ای بوده‏اند که امتیاز مهارت معلمی خود را مدیون فلسفه‏اشان هستند.مشی و منش اینان،در شیوهء سادهء زندگی آن‏ها متجلی بوده است که یکی از آن‏ها،فلسفه خود را هفت نکته‏ای می‏داند که پدرش‏ برایش به جا گذاشته است و پایان این مقاله،ذکر آن‏ هفت نکته است:

1.همیشه با خودت روراست باش.بعد متوجه‏ خواهی شد که با دیگران هم نمی‏توانی روراست‏ نباشی.

2.هر روز را آن‏طور که باید زندگی کن.کار امروز را به فردا مینداز.

4.به دیگران کمک کن.یک زندگی کامل،فقط با یاری دیگران ممکن است.

5.از کتاب‏های خوب به قدر کافی بهره‏مند شو. کتاب به تنهایی برای تو کافی است.

6.دوستی را دست‏کم نگیر.در کار دوستی، عمیق شو و آن را برای خودت به هنری زیبا تبدیل‏ کن.

7.از همه مهم‏تر،هر روز دعا کن خداوند تو را هدایت کند که هدایت الهی،به هرحال شامل حالت‏ خواهد شد.

این مربی بزرگ ورزشی نقل کرده است که این‏ نصیحت‏ها را در همهء دوره‏های زندگی،سرلوحهء اعمال خود قرار داده است.به همین دلیل،او با به‏ دست آوردن پیروزی‏های باشکوه که تعدادشان هم‏ بسیار بوده،از مسیر زندگی منحرف نشده است.وی‏ در رفتار،نمونه بارزی از دیگرخواهی و از خود گذشتگی بوده است.